

سلاطین دروازه‌ها

لئوایشین

عنکبوت سیاه؛ افسانه‌ای که دیگر تکرار نشد

■ عنکبوت سیاه لقبی بود که به دروازه‌بان افسانه‌ای شوروی سابق داده بودند. لئو یاشین در مسکو متولد شد و در ۱۵ سالگی، هنگامی که کارگر کارخانه بود به تمرین با تیم دینامو مسکو پرداخت؛ تنها باشگاهی که او در طول زندگی فوتبالی‌اش در آن عضویت داشت و ۲۲ فصل پیاپی در آن بازی کرد. او زمانی که به دینامو پیوست روی نیمکت ذخیره‌ها قرار گرفت و به همین جهت در تابستان به فوتبال می‌پرداخت و در زمستان در حداقل فصل سال‌های ۱۹۵۱ تا ۱۹۵۳ درون دروازه تیم هاک‌ی روی یخ باشگاه قرار می‌گرفت. یاشین در سال ۱۹۵۳ در ۲۲ سالگی بود که توانست به عنوان دروازه‌بان ثابت تیمش جای تومیسچ را بگیرد. او همچنین در همان سال توانست به همراه دینامو مسکو قهرمان جام حذفی شوروی سابق شود و سال بعد لیگ کشورش را فتح کند. یاشین در سال ۱۹۵۴ که اولین قهرمانی باشگاهی خود را تجربه کرد به تیم ملی راه یافت و در هشت سپتامبر آن سال اولین دروازه ملی خود را در مقابل سوئد تجربه کرد؛ دیداری که به برتری هفت بر صفر شوروی ختم شد. اولین موفقیت بزرگ لئو در رده ملی دو سال بعد و در جریان بازی‌های المپیک ۱۹۵۶ میلیون رقم خورد و او به همراه تیم ملی کشورش فاتح مدال طلای بازی‌های فوتبال المپیک شد.

دو سال بعد از این موفقیت، یاشین حضور در جام جهانی را تجربه کرد و به همراه تیمش تا مرحله یک‌چهارم نهایی جام جهانی ۱۹۵۸ صعود کرد و در این مرحله با شکست برابر سوئد میزبان از دور مسابقات حذف شدند اما یاشین به عنوان برترین سنگربان جام دست یافت. یک سال بعد از جام جهانی سوئد، لئو یاشین به همراه دیناموسکو به چهارمین قهرمانی خود در لیگ فوتبال شوروی دست یافت و در سال ۱۹۶۰ در جام ملت‌های اروپا که در آن زمان به نام جام کشورهای اروپایی معروف بود به همراه تیم ملی کشورش به مقام قهرمانی در قاره سبز دست یافت. شوروی سابق با درخشش یاشین کبیر در فینال آن رقابت‌ها با نتیجه ۲ بر یک بر یوگسلاوی سابق فائق آمد و قهرمان اروپا شد. در جام جهانی ۱۹۶۲ شیلی، لئو یاشین کلاس مدرنی از سنگربانی را ارائه کرد و بازمه توانست به مانند دوره گذشته عنوان بهترین سنگربان جام جهانی را از آن خود کند. ابتدای دهه ۱۹۶۰ دروان او یاشین بود و یک سال پس از جام جهانی شیلی بود که به عنوان مرد سال فوتبال اروپا برگزیده شد و تا امروز هم تنها دروازه‌بانی است که به این افتخار نایل شده است.



در سال ۱۹۶۳ که مرد سال فوتبال اروپا شد در ۲۷ بازی که در لیگ شوروی برگزار شد، فقط شش گل پذیرفت و ضمن به جای گذاشتن یک رکورد روایی بازمه با دیناموسکو قهرمان شوروی بود. در این میان اما موردی که پیش از هر چیز دیگری موجب ستایش هواداران و کارشناسان بابت نحوه عملکرد یاشین می‌شد، شیوه بازی او بود. شعاع حرکت را از محوطه جریمه فراتر قرار داده بود و به سان یک لیبرو خط دفاع تیمش را ساماندهی می‌کرد و هنگام حمله نیز مانند یک مدافع به کمک پارانش می‌آمد. توانایی بالای یاشین در بازی‌خوانی باعث می‌شد که هیچ‌گاه شیوه بازی‌اش خطری را متوجه دروازه‌نکند. عنکبوت سیاه سومین حضور خود را در جام جهانی در سال ۱۹۶۶ در انگلستان تجربه کرد؛ جامی که تیم ملی شوروی بیشترین صعود را تا پله‌های پائینی داشت. یاشین به همراه تیم ملی کشورش در جمع چهار تیم برتر جام قرار گرفت اما نتوانست مانع از شکست ۲ بر یک شوروی در مقابل آلمان شود و در پایان آن دوره به مقام چهارم بسنده کردند. سنگربان افسانه‌ای شوروی یک افتخار ویژه به عنوان گلر تیم ملی هاک‌ی روی یخ شوروی با رسیدن به نایب‌قهرمانی جهان را هم دارد. او در جام جهانی ۱۹۷۰ هم در چهارمین جام جهانی‌اش حاضر شد اما در هیچ‌یک از بازی‌ها درون دروازه قرار نگرفت. در ۲۷می سال ۱۹۷۱ یاشین که به علت پوشیدن پیراهن سیاهش به بلنگ سیاه یا عنکبوت سیاه معروف شده بود، بازی خداحافظی خود را مقابل دیدگان صد و چهار هزار تماشاگر انجام داد. او پس از دوران بازیگری‌اش نایب‌رییس فدراسیون فوتبال شوروی شد. لئو یاشین در دروان بازیگری‌اش سیگار می‌کشید. او شش سال قبل از مرگش هر دو پایش را با عمل جراحی قطع کرده بود. او در ۲۰ مارس ۱۹۹۰ از دنیا رفت. یاشین طی دوران بازیگری‌اش ۱۵۰ پنانتی گرفت و در ۲۷ بازی گل نخورد؛ رکوردهایی که هنوز توسط دروازه‌بان دیگری شکسته نشده است. مانند فتح عنوان مرد سال فوتبال اروپا در سال ۱۹۶۳ که هیچ دروازه‌بان دیگری موفق به کسب این عنوان نشده است. فیفا به احترام وی از سال ۱۹۹۴ در هر جام جهانی به بهترین سنگربان جام‌نشان ویژه لئو یاشین را اهدا می‌کند.

سرطان هیچ‌گاه روی صورتش ندوید

یادواره سلطان گل داربی

مهدی حدادپور

روی سکوهای امجدیه نشسته بودم، عمو از سوئد آمده بود، برای سومین بار افتخار دیدار با او را به صورت مستقیم داشتم. عمو در سال ۶۷، زمانی که نگارنده ۱۴ ساله بود، از ایران به سوئد رفت. روزهایی که هنوز فعالیت نگارنده در مطبوعات آغاز نشده بود و او همه خاطرات زیبا و نازیب‌ا را در تهران گذاشت و رفت. آن روزها که ۴۱ ساله شده بود و با یک کوله‌بار خاطره و تجربه در حالی‌که می‌توانست سال‌ها به فوتبال کشورمان خدمت کند، رفت. صفر ایرانپاک یکی از بهترین گلزن‌های تاریخ فوتبال ماست که سه سال تمام از مرگ او گذشته است. ای کش، چند ماه قبل از مرگش او را نمی‌دیدم. باور نمی‌کردم. روند شیمی‌درمانی را قطع کرده بود و تصور می‌کردم خوب شده، شفا پیدا کرده اما ناامید شده و درمسان را رها کرده بود تا در آرامش بمیرد. با موی می‌میرد، به آخر خطر رسیده است اما باور کردنی نبود. خرمایی و دلی پاک. همایون (بهزادی) می‌گفت: عمو صفر و مرگ‌ما مگر می‌شود سلطان گل داری بمیرد، اما مرد. در تنهایی و دور از همه و حتی حاضر نشد او را در تهران در قطعه نام‌آوران دفن کنند و رفت. دور از همه تا او را در دیار خود در اهواز دفن کنند.

روی سکوهای امجدیه نشسته بود، عمو از سوئد آمده بود. تابستان ۸۱ بود. درست آن روزهایی که دادکان تازه به جای صفایی‌فراهانی رییس فدراسیون فوتبال شده بود. می‌گفت: فلائی به نظرت دادکان از وجود ما در تیم‌های ملی پایه استفاده می‌کند یا تیم فوتبال پرسپولیس؟ این آقای غمخوار که تازه آمده چطور آدمی است؟ اصلا ما را می‌شناسد؟ و من که می‌دانستم نه برای دادکان و نه برای غمخوار، آدم‌های مشخص و معینی در کارش وجود دارند که با آنها کار می‌کنند و تحصیلات و تجربه امثال ایرانپاک در سوئد برایشان اهمیتی ندارد، گفتیم آن‌ش‌الله شاید عمو، اما ایرانپاک امیدوار بود.

صنام و پگاه در مسابقات لیگ دسته اول، آن روز در امجدیه بازی داشتند. سرمربی صنام، محمدحسین ضیایی و سرمربی پگاه، مجید جهانپور بود. در تیم‌های دیگری لیگ‌برتر و لیگ دسته اول مریبان رنگارنگ زیادی کار می‌کردند اما کسی از صفر ایرانپاک سراغی نمی‌گرفت چون ایرانپاک آنطور نبود که آنها دل‌شان می‌خواست، بله آنطور نبود با که بازیکنان و مدیران تعامل خاصی داشته باشد، آنها که خارج از ایران کار می‌کنند، مثل عباس رضوی و احمد طوسی قبل از بازگشت به ایران، باید به نحو خاصی توجه شوند!

او ستاره اهوازی فوتبال ما بود؛ ستاره‌های اهوازی که سال ۴۹ از شاهین آبادان به پرسپولیس آمد و خیلی زود پدیده شد. اوج او از سال ۴۹ تا ۵۴ در پرسپولیس به طول انجامید اما پنج سال دوم حضورش در پرسپولیس، پنج سال خوبی نبود.

تاریخ ورزش



این پنج سال، فقط هرازگاهی به استقلال گل می‌زد اما در پنج سال اول معجزه‌گری بود! ۸۵ گل در این پنج سال برای پرسپولیس زد اما در پنج سال دوم فقط ۲۰ گل زد. در پنج سال اول بهترین گلزن پرسپولیس در سال‌های ۵۲، ۵۳ و ۵۴ بود.

سال‌ها در تیم‌لی حضور شایسته‌ای داشت. در جام کوروش کبیر در سال ۱۳۵۰، جام ملت‌های آسیا در سال ۱۳۵۱، مقدماتی المپیک مونیخ در سال ۱۳۵۱، مقدماتی جام‌جهانی ۱۹۷۴ در سال ۱۳۵۲ و… حضور داشت. در تمام این سال‌ها یکی از بهترین یاران تیم‌لی بود و با به ثمر رساندن هفت گل، سلطان گل داری‌های طلایی بین دو تیم پرسپولیس و استقلال شد. اختیاری که همچنان در اختیار اوست و هیچ‌کس نتوانسته به آن نزدیک شود.

روز ۱۳ تیر سال ۵۹، آخرین خداحافظی اختصاصی در فوتبال ما به عنوان پرسپولیس و استقلال برگزار شد. برای خداحافظی صفر ایرانپاک ستاره گلزن پرسپولیس از فوتبال، جعفر کاشانی‌بیشترین زحمات را کشید. از آن زمان هیچ‌گاه برای خداحافظی هیچ‌کدام از بازیکنان پرسپولیس و استقلال بازی خداحافظی تدارک ندیدند. درست است که در مقطعی یک بازی انجام می‌شد و هنگام برگزاری بازی یادشان می‌آمد که بد نیست کسی را از فوتبال خداحافظی دهند، مثل خداحافظی فرشاد پیوس در روز

سلطان افتخار در کشتی ایران

عبدالله موحد

جهانی ۱۹۶۹ ماردل پلاتای آرژانتین و ۱۹۷۰ آدمونتون هم مدال طلا گرفت. او با شش مدال طلای جهانی و المپیک، هنوز هم پرافتخارترین کشتی‌گیر ایرانی در میادین معتبر بین‌المللی است.
بیوگرافی
عبدالله موحداردبیلی متولد ۲۹ اسفند ۱۳۱۹ در بابلسر باشگاه:تهرانجوان مربی:رحمت الله غفوریان
- جای محمدعلی مستعزکان را در تیم ملی گرفت
-از سال ۱۹۶۳ تا ۱۹۷۲ در تیم ملی بود



تاریخچه لیگ (۳)

آغاز تخت‌جمشید تحت تأثیر میدان شش‌تابی‌ها

مسابقات فوتبال لیگ اول تخت‌جمشید به عنوان مهم‌ترین مسابقات لیگ برگزار شده کشور تا آن زمان از روز جمعه هشتم‌تیر ۵۲ آغاز شد. مسابقات تخت‌جمشید با چند تغییر انجام شد.
۱- نام لیگ سراسری به جام تخت‌جمشید تغییریافت.
۲- تعداد تیم‌ها از هشت به ۱۲ تیم افزایش یافت.
۳- تمامی باشگاه‌های همانم از مسابقات کنار گذاشته‌شدند.
۴- سهمیه تهران شش و سهمیه شهرستان‌ها هم شش تیم اعلام شد.

تیم‌های تاج اهواز و تاج مسجد سلیمان دو تیم همانم تاج تهران و تیم سپاهان اصفهان به مسابقات صعود کرده بودند. به جای تاج اهواز و تاج مسجدسلیمان، تیم‌های «ورد اهواز» و «صنعت نفت آبادان» در مسابقات شرکت کردند. سپاهان هم بودجه شرکت در مسابقات را نداشت و جای خود را به تیم ذوب‌آهن اصفهان داد.

تیم‌های تهرانی، پرسپولیس، تاج، پاس، عقاب، راه‌آهن، بانک ملی و برق بودند. تهرانی‌ها یک سهمیه از شهرستانی‌ها گرفتند. ملوان آنزلی، نفت آبادان، نورد اهواز، ذوب‌آهن اصفهان و ماشین‌سازی تبریز هم تیم‌های شهرستانی بودند.

مسابقات از روز هشتم تیر ۵۲ آغاز شد. در فاصله زمانی بازی پلی‌آف ایران و استرالیا این مسابقات تعطیل اما از ۹ شهریور ۵۲ دوباره راه‌اندازی شد. برد شش بر صفر پرسپولیس برابر تاج، همه چیز مسابقات لیگ فوتبال سال ۱۳۵۲ را تحت تأثیر خود قرار دارد. برخی از نتایج جالب این بازی‌ها را با یکدیگر مرور می‌کنیم.

۱- پرسپولیس ۶ – تاج صفر
۲- تاج ۷ – برق یک
۳- پرسپولیس ۵ – راه‌آهن صفر
۴- ذوب‌آهن ۶ – ماشین‌سازی یک
۵- پرسپولیس ۷ – نورد صفر
۶- استقلال ۵ – ملوان یک

در پایان رقابت‌ها تیم پرسپولیس با ۱۵ برد و هفت مساوی برای دومین بار فاتح لیگ کشور شد. جدول را یک بار بر اساس برد دو امتیازی که معمول آن زمان بود و یک بار براساس برد سه امتیازی به شیوه امروز مرور می‌کنیم:

تیم	امتیاز (شیوه جدید)	امتیاز (شیوه قدیم)
پرسپولیس	۳۷	۵۲
تاج	۳۵	۴۹
پاس	۳۳	۴۶
عقاب	۳۰	۴۰
ملوان	۲۴	۳۴
صنعت‌نفت	۲۰	۲۸
راه‌آهن	۱۹	۲۵
بانک‌ملی	۱۶	۲۱
نورد	۱۶	۲۰
ذوب‌آهن	۱۵	۱۹
برق	۱۲	۱۴
ماشین‌سازی	۷	۸

تیم‌های اول تا سوم

پرسپولیس:	عباس نوین روزگار
بهرام مودت	کارو حق‌وردیان
هادی طلوسی	جواد قرب
محراب شاهرخی	علی جباری
ابراهیم آشتیانی	عباس مزدهی
جعفر کاشانی	مسعودمزدهی
رضا وطنخواه	حسن روشن
مجیدتشرفی	غلامحسین‌مظلومی
حسین‌بهاریان	محمدرضاغادقلخانی
فریدون‌معینی	علیرضا حاج‌قاسم
ابرج سلیمانی	علی‌رحمانی
فرامرز کردستانی	اصغر ادیبی
داوود میرطوسی	هادی نراقی
همایون بهزادی	پاس:
حسین کلاتی	رضاقلساز
علی پروین	محمدآیینه‌ورزان
صفر ایرانپاک	حسین کارزانی
محمدخوردیین	مجید حلوابی
اسماعیل حاج‌رحیمی‌پور	محمدصادقی
مسیح‌مسیح‌نیا	مهدی‌مناجاتی
محمددستجردی	همایون شاهرخی
تاج:	پرویز‌میرزاحسن
منصور رشیدی	اصغر شرفی
ناصر حجازی	مائیس‌میناسیان
مسعودمعینی	ابرج دانایی‌فرد
نصرالله‌عبدللهی	حمیدمشرتی
جواد‌الهوردی	کمال خلیلیان
اکبر کارگر جم	محمدعلی‌مالکیان
عزت جان ملکی	جهانگیرنصیری
	فرامرز عزتی